

عوامل مؤثر برگرایش جوانان و زنان به اعتیاد و بزهکاری و راههای پیشگیری از آن در شهرستان روانسر

* بهاره سلطانی^۱، فرشته محمدی^۲

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره هفتم، شماره پنجم و پنجم، سال ۱۴۰۱، صفحات ۴۵۶-۴۴۹.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

چکیده

اعتياد به مواد مخدر و بزهکاری به عنوان یکی از مشکلات مهم در جامعه امروز یاد می‌شود. مطالعات متعددی در زمینه سبب‌شناختی پدیده اعتیاد و علل بزهکاری در میان جوانان و زنان به عمل آمده و محققان عوامل مختلفی را در ارتباط با شیوه اعتیاد و گرایش به بزهکاری معرفی کرده‌اند. بنابراین هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر برگرایش جوانان و زنان به اعتیاد و بزهکاری و راههای پیشگیری از آن در شهرستان روانسر می‌باشد. روش مطالعه از نوع توصیفی-تبیینی و به لحاظ ماهیت کاربردی می‌باشد و از نظر اجرا پیمایشی محسوب می‌شود. جامعه آماری این تحقیق ۱۰۰ نفر از جوانان و زنان شهرستان روانسر می‌باشد که به صورت تصادفی در دسترس انتخاب گردیدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS-22 استفاده گردید. نتایج نشان داد فقر فرهنگی، دوستیان نایاب، فقر اقتصادی خانواده، اعتیاد والدین و از هم‌گسیختگی و طلاق والدین بر گرایش جوانان و زنان به مواد مخدر رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین نتیجه می‌گیریم اعتیاد و بزهکاری یکی از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی و اقتصادی و بهداشتی است که عوارض ناشی از آن تهدیدی جدی برای جامعه بشری محسوب و موجب رکود اجتماعی در زمینه‌های مختلف می‌گردد.

کلیدواژه: اعتیاد، بزهکاری، جوانان، زنان.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره هفتم، شماره پنجم و پنجم، سال ۱۴۰۱

مقدمه

اختلالات سو مصرف مواد از رایج ترین مشکلات روانپزشکی است که از تعامل ژنتیکی و محیطی مثل نابهنجاری های رشدی و وضعیت نامساعد روانی - اجتماعی ناشی می شود (پاتس و ریلی، ۲۰۱۰). تصور اکثر افراد جامعه در مورد اعتیاد این است که مواد مخدر و سوءمصرف مواد عمدتاً پدیده ای مردانه است. در حالی که زنان هم همپای مردان در معتاد شدن پیش می روند (ابراهیمی و فتاحی، ۱۳۸۳). زمان معتاد در مقایسه با مردان معتاد در معرض خطر بیشتری برای ابتلا به مشکلات روانی هستند. امید به زندگی پایین، خودکارآمدی و سبک های مقابله با استرس پایین، کمبود قدرت های تطبیقی در فرد برای مقابله با حوادث روزانه زندگی می تواند مقدمه ایجاد اعتیاد یا از نتایج اعتیاد باشد (شاپیگان، ۱۳۹۰). زنان، نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می دهند و وظیفه مادری و تربیت نسل آینده را به عهده دارند در حالی که نخستین قربانیان بسیاری از آسیب ها و انحرافات اجتماعی هستند که در این میان، اعتیاد اگرنه اولین و عمده ترین، بلکه یکی از مهم ترین آن هاست. هر جا پای اعتیاد باز می شود، زنان در صفت نخستین آن قرار دارند؛ چرا که بیشترین آسیب ها از اعتیاد پدر، برادر، فرزند، همسر و حتی دوست و همکار به آنها وارد می شود. از طرفی دیگر، موضوع اعتیاد زنان، مشکل اجتماعی پنهانی است؛ زیرا فضای سنتی حاکم بر خانواده ها و جامعه به زنان معتاد اجازه نمی دهد که اعتیاد شان را اعلام کنند. به علاوه در فرهنگ ایران، مصرف مواد در زنان از مردان ناهنجارتر تلقی می شود و درنتیجه زنان معتاد برای دریافت خدمات ترک و درمان اختلالات روانی ناشی از مصرف مواد با مشکلات زیادی روبرو هستند (نجاری، ۱۳۸۶). به همه موارد باید این نکته را نیز افزود که وجود مادر معتاد می تواند آسیب های جدی به تعاملات رابطه با همسر و فرزندان و درنتیجه به جامعه وارد سازد؛ چرا که در بسیاری از موارد، بنیان خانواده زنان معتاد، متزلزل است و نمی توانند کانون خانواده را سالم و سرپا نگه دارند. گاهی برای رسیدن به مواد مخدر از هیچ کاری فروگذار نمی کنند و ممکن است احساسات، عواطف و حتی مادر بودن خود را زیر پا بگذارند؛ به همین دلیل، اعتیاد چالش های بسیار و در عین حال متفاوتی برای سلامت زنان ایجاد می کند. مطالعات اخیر نیز نشان می دهد که دختران در مقایسه با پسران، سریع تر تحت تأثیر سوءمصرف مواد قرار می گیرند و از پیامد آن آسیب می بینند (کاکویی و قوامی، ۱۳۹۳). اعتیاد یک بیماری مزمن و عودکننده است که عوامل مختلف ژنتیکی، روانی، اجتماعی و محیطی در تعامل با یکدیگر منجر به شروع و تداوم این بیماری می شود. همانند دیگر بیماری های روانی، اعتیاد از چندین عامل نشأت می گیرد که در هر فرد، ممکن است گروه خاصی از عوامل مداخله گر شرکت داشته باشد و اگر در درمان اعتیاد یکی از عوامل مدنظر قرار گیرد و از سایر عوامل چشم پوشی شود، به فرض تأثیر آن عامل، عوامل دیگر می توانند تأثیر عامل موردنظر را کاهش دهد. اعتیاد در کنار سوء تغذیه و آلودگی های محیط زیست از مشکلات برگ جوامع بشری است که متأسفانه تمامی جوامع صنعتی و غیر صنعتی را گرفتار کرده است (میرزایی، ۲۰۱۱). ویژگی اصلی اختلال مصرف یک ماده مجموعه ای از علائم شناختی، رفتاری و فیزیولوژیکی است که نشان دهنده تداوم مصرف ماده از سوی فرد به رغم مشکلات چشمگیر مرتبط با ماده است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳). این بیماری یک بیماری مزمن، طولانی مدت بازگشت مجدد است که با دوره های بهبود و بازگشت مشخص می گردد. از بین افرادی که دارای تشخیص اختلالات مصرف مواد مخدر هستند و اقدام به ترک می نمایند، دو سوم به مصرف مجدد آن اقدام می کنند (اسنیها، ۲۰۱۱). نورکو و همکاران (۱۹۹۸) مسئله عود را در سه ماهه ای اول مراجعه جهت درمان نشان دادند و میزان آن را ۶۶ درصد در

عرض شش ماه مطرح کردند. به همین دلیل برخی از متخصصین از لفظ اختلال مزمن و عودکننده برای توصیف اعتیاد استفاده می‌کنند (براون، ۱۹۹۸). ترک جسمانی مواد مخدر چندان مشکل نیست، مشکل عمدۀ در درمان معتادان حتی با دوره‌ای پاکی طولانی‌مدت، میزان بالای عود آن‌هاست (یان و نابیشیتنا، ۲۰۰۹). در بررسی عوامل مؤثر در بازگشت به اعتیاد در حال حاضر آمار دقیقی از این‌که چند درصد از معالجه شدگان مجدداً به مصرف مواد بازگشته‌اند به صورت دقیق وجود ندارد، اما افزایش مبتلایان به سوءصرف مواد مخدر در کشور می‌تواند بیانگر این بحث باشد که روش‌های درمانی انجام‌شده مؤثر یا جامع نبوده‌اند (میرزاپی، ۲۰۱۱). با توجه به آن که آمار اعتیاد رو به افزایش بوده و پدیده اعتیاد همان‌گونه که به عنوان بالای قرن از آن یادشده علاوه بر هزینه مالی فراوان، اثرات زیادی بر همه جوانب زندگی فرد می‌گذارد؛ بنابراین، مداخلات صورت گرفته باید عمیق باشد. این نکته مورد توجه است که توجه به جوانب روان‌شناسی در درمان اعتیاد نقش مهمی در کاهش عود آن، ریزش بیماران از درمان و افزایش سطح تحمل برای ترک شده و باعث بهبود علائم روان‌شناسی برانگیزانده فرد به سمت مصرف در طول درمان می‌شود. اعتیاد با ویژگی‌هایی همچون رفتارهای اجباری، وسوسه‌های مقاومت‌ناپذیر، رفتارهای جستجوگرانه مواد و مصرف مداوم آن حتی در شرایطی که پیامدهای منفی بسیاری برای فرد به همراه دارد، مشخص می‌شود. حالت و حس آرامشی که به دنبال مصرف در فرد ایجاد می‌شود، اغلب موجب میل بیش از حد برای استفاده از این ماده می‌گردد و شخص پس از اتمام اثرات مطلوب و به علت تخلیه شدید انرژی و بالحساس خستگی مفرط ناچار به مصرف مجدد روی می‌آورد و در چرخه‌ای نابودگر و ویران‌کننده می‌افتد که خروج از آن مستلزم بایدهای بسیاری است. همچنین از آنجائی که پیشرفت و ترقی هر جامعه‌ای در گرو سلامتی آن جامعه از هر نظر می‌باشد، لذا تحقیق در مورد پدیده بزهکاری نوجوانان بسیار رهگشا برای علت یابی جرائم و خطاهای می‌باشند تا از این طریق بتوان کمبودها و نارسائی‌ها را دریافت و در صدد رفع این مشکلات اقدام نمود. همچنین می‌توان تأکید براین نکته کرد که از این طریق شاید بتوان مشکلات جامعه و خصوصاً نسل نوجوان و زنان که می‌توان گفت حساس‌ترین نقطه انعطاف‌پذیر یک جامعه هستند را به نحوی رفع نمود تا آنجا که بتوان از این راه یک استراتژی برای پیشبرد اهداف علمی و فرهنگی جامعه اتخاذ نمود. جوامع بشری در هر شرایطی به همزیستی مسالمت‌آمیز با همنوعان خود نیازمند هستند. آنچه مسلم است تا امروز به دلیل اختلافات زیر بنایی و ریشه‌ای مختلفی از جمله در مسائل عقیدتی، فرهنگی و مذهبی و در عین حال تفاوت‌هایی که در معیارهای سنجش ارزش‌ها در حیطه‌های گوناگونی وجود داشته، یک توافق و تفاهem عمومی و جهان‌شمول استقرار نیافته است. وانگهی، تمام انسان‌ها از هر قوم و قبیله، نژاد و مذهب، دین و عقیده اتفاق نظر دارند که یکی از محوری‌ترین اعمال فردی و اجتماعی، تربیت و هدایت درست کودکان برای آینده می‌باشد. اقدامی که شرط ضروری و انکارناپذیر رشد و ترقی جامعه‌ی انسانی تلقی می‌شود. جوانان و بهخصوص زنان سرمایه‌های معنوی جامعه می‌باشند و سلامت روح و جسم آن‌ها تضمین‌کننده سلامت جامعه در آینده است؛ بنابراین مسائل آنان از جمله مسائلی است که باید به آن‌ها توجه ویژه‌ای مبدول داشت. بررسی ریشه‌ای مسائل از آن جمله بزهکاری جوانان و زنان، برای رسیدن به یک جامعه‌ی ایدئال شرطی ضروری است. اصولاً بزهکاری عبارت است از جرائم کم‌اهمیت و چون نوجوانان معمولاً مرتكب این نوع جرائم می‌شوند، در مورد نوجوانان استفاده از واژه بزهکاری بهتر از استفاده واژه مجرمیت است. با یک تعریف ساده می‌توان گفت، نوجوان بزهکار فردی است که قبل از رسیدن به سن هیجده سالگی، مرتكب جرم می‌شود. درواقع از قدیم‌الایام گفته‌اند،

پیشگیری بهتر از درمان است. طبعاً اگر نوجوانی به هر دلیلی از ابعاد جسمانی، روانی و رفتاری به نقصان و یا انحرافی مبتلا گردد، قهره بازپروری وی مستلزم صرف هزینه های هنگفت و مضاعفی خواهد بود. برخورداری از یک سیاست جنائی و کیفری مناسب با شرایط و وضعیت نوجوانان می تواند به جامعه مدنی جهت پیشبرد یکی از اهدافش که پیشگیری از وقوع جرائم در آینده است، کمک فراوانی کند. از دیدگاه جامعه شناسی انحرافات، انحراف اجتماعی به دو طبقه بزهکاری و جرم قابل تقسیم است. گفتنی است که این طبقه بندی نه بر حسب نوع و شدت رفتار انحرافی، بلکه بر اساس سن افراد در هنگام ارتکاب چنین اعمالی است؛ بنابراین، چنانچه رفتار انحرافی توسط بزرگسالان صورت گرفته باشد، آن را جرم می نامند و در صورتی که توسط نوجوانان و جوانان انجام شده باشد، به عنوان بزهکاری محسوب می شود (احمدی، ۱۳۸۴). بزهکاری نوجوانان و زنان با اثر منفی روانی، اقتصادی و اجتماعی مباحث مهم ایران هستند؛ زیرا جامعه ایران از نظر ساختار جمعیتی، کشوری با جمعیت نوجوان و جوان است. نوجوانان و جوانان بزرگترین سرمایه های هر کشور محسوب می شوند، شناخت وضعیت اجتماعی و اقتصادی مجرمین نوجوان و زنان، برای مردم مسائل تربیتی، مددکاران اجتماعی، افراد پلیس و تمامی کسانی که با جوان و نوجوان به گونه های در تماس هستند، جهت برنامه ریزی دقیق و بازسازی به منظور به حداقل رساندن جرم در جامعه می تواند مفید باشد. نحوه رفتار و روابط پدر و مادر در خانواده یا نداشتن محیطی نشاط آور و فرح بخش تأثیری نامطلوب در روح نوجوان و جوان می گذارد. هر نوجوان و جوانی در کانون خانواده احتیاج به حمایت و محبت از طرف والدین خود دارد (صدقی، ۱۳۷۶). عوامل گوناگونی در بروز بزهکاری مؤثر است و تنها نمی توان علت خاص و واحدی را برای آن در نظر گرفت. عوامل مختلفی نظیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، فیزیولوژیکی و ... در کنار هم باعث می شوند که بزهکاری در نوجوانان و زنان به منصبه ظهور برسد. برخی از پژوهشگران معتقدند زمانی که بحران های اقتصادی-اجتماعی کانون خانواده را در بر می گیرد، مخصوصاً در شرایط فقر و بیکاری خانواده دچار بحران خواهد شد در این شرایط طیف وسیعی از انسان ها ناچارند برای تأمین معاش خود به کارهای خسته کننده و آن هم در ساعاتی طولانی تن به کار دهنده، در چنین شرایطی جایی برای توجه به دیگر فرزندان باقی نمی ماند. بزهکاری پدیده اجتماعی جهانی است که معمولاً برای جرائم نوجوانان زیر ۱۸ سال به کاربرده می شود. گرچه، جوامع گوناگون بر حسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود با انواع متفاوتی از آن روبرو هستند. در همه جوامع انسانی اصطلاح بزهکار در مورد افرادی به کاربرده می شود که اعمال خلاف قانون یا موازین مذهبی آن جامعه انجام می دهند. با توجه به این که احکام در جامعه های گوناگون متفاوت است، فرد متخلص در یک جامعه ممکن است در جامعه دیگر از تخلف مبری باشد. روابط افراد در جامعه بر نظم و قواعد خاصی استوار بوده است. در حقیقت، زندگی اجتماعی از طریق این قواعد یا هنچارهای اجتماعی تداوم می یابد. وقتی که اعمال و رفتار افراد برخلاف هنچارها و انتظارات عمومی می باشد، از آن تحت عنوان انحراف اجتماعی یاد می شود. البته انحراف اجتماعی به لحاظ زمان، مکان، مقام و ... امری نسبی است. در کشورها بزهکاری به مجموعه کل جرائمی گفته می شود که در صورت ارتکاب، مجازات هایی از قبیل قصاص، دیات، حدود و تعزیزات را در پی دارد. هر روز در کنار ما چندین بار از این جرائم به وقوع می پیوندد و وقتی روزنامه ها را ورق می زنیم در صفحه حوادث با انواع بزهکاری آشنا می شویم، چاقوکشی، ضرب و جرح، دزدی، تجاوز و وقتی از خیابان عبور می کنیم سازمان هایی نظیر کانون اصلاح و تربیت، نیروی انتظامی و دادگاه هایی را می بینیم که برای مجازات این گونه افراد به وجود آمده اند. پیچیدگی عوامل مؤثر در پدیده

بزهکاری سبب شده است که هر گروه از محققان آن را از دیدگاهی خاص بررسی کنند. از آنجاکه پدیده اعتیاد به مواد مخدر مسئله‌ای جهانی است که همه کشورها به نوعی با آن درگیرند و هر یک با توجه به زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود راه حل‌هایی را برای برخورد با این معضل برمی‌گیریں (آقابخشی، صدیقی و اسکندری، ۱۳۸۹). بنابراین هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر برگرایش جوانان و زنان به اعتیاد و بزهکاری و راه‌های پیشگیری از آن در شهرستان روانسر می‌باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس رهیافت علمی و از نوع پیمایش علمی بوده است. پیمایش غالباً با تعیین افرادی که نماینده و معرف گروه موردنبررسی‌اند (نمونه) و طرح سوالاتی که باید از آن‌ها پرسیده شود، آغاز می‌شود. در تحقیق حاضر از پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات به شیوه‌ی پیمایش خود اظهاری به دست آمد. یکی از روش‌های مرسوم در علوم اجتماعی روش پیمایشی است. پژوهش حاضر نیز یک بررسی پیمایشی است. روش پیمایشی را می‌توان به عنوان روشی در جمع‌آوری داده‌ها که بر اساس آن گروه معینی از افراد به پرسش‌های یکسانی پاسخ می‌دهند، تعریف کرد. جامعه آماری، کلیه مراکز ترک اعتیاد شهرستان روانسر می‌باشد که در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ مشغول به فعالیت بودند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. از بین مراکز در دسترس که تمایل همکاری با پژوهش را دارند ۵ مرکز انتخاب و تعداد ۱۵۰ نفر از مراجعه‌کنندگان به این مراکز به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ی پژوهش از ابزار پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه تکنیکی بسیار ساختمند و پرکاربردترین تکنیک گردآوری داده‌های پیمایشی است. به این دلیل که شیوه‌ی کارآمدی برای تشکیل ماتریس متغیر بر حسب مورد برای نمونه‌های بزرگ است. پس از انتخاب جامعه‌ی آماری و تنظیم پرسش‌نامه‌ها، مراکزی که تمایل به همکاری داشتند انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌ها در بین جوانان و زنان مصرف‌کننده مواد مخدر آن مراکز توزیع گردید. سپس، توضیحات لازم از سوی روانشناسان مراکز در مورد نحوه تکمیل پرسش‌نامه‌ها و محramانه ماندن اطلاعات دریافتی، به آزمودنی‌ها ارائه شد و آن‌ها در حضور روانشناس مرکز خود، پرسش‌نامه‌ها را تکمیل نمودند تا در صورت نیاز، از پژوهشگر درخواست توضیح بیشتری داشته باشند. از آنجایی که احتمال ریزش وجود داشت، تعداد ۱۵۰ پرسش‌نامه، طی ۶۰ روز توزیع و جمع‌آوری گردید. درنهایت تعداد ۵۰ پرسش‌نامه، به دلیل ناقص و مخدوش بودن کنار گذاشته شد و داده‌های مربوط به ۱۰۰ نفر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها

اطلاعات توصیفی مربوط به علت بزهکاری و اعتیاد در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب علت بزهکاری و اعتیاد در آنان

درصد	فراوانی	تعداد	متغیر
۱۵/۲۱	۲۴	۱۵۰	فقر فرهنگی
۲۵/۳۳	۳۹	۱۵۰	دستان ناباب
۱۷/۰۹	۲۷	۱۵۰	فقر اقتصادی خانواده
۲۰/۲۳	۲۹	۱۵۰	اعتیاد والدین
۲۲/۱۴	۳۱	۱۵۰	از هم گسیختگی و طلاق والدین

بر اساس جدول شماره ۱، از ۱۵۰ نفر آزمودنی شرکت کننده در پژوهش، ۲۴ نفر آنها علت بزهکاری آنها مربوط به فقر فرهنگی (۱۵/۲۱ درصد)، ۳۹ نفر مربوط به دستان ناباب (۲۵/۳۳ درصد)، ۲۷ نفر مربوط به فقر اقتصادی خانواده (۱۷/۰۹ درصد)، ۲۹ نفر مربوط به اعتیاد والدین (۲۰/۲۳ درصد) و ۳۱ نفر مربوط به از هم گسیختگی و طلاق والدین (۲۲/۱۴ درصد) بود.

نتایج تجزیه و تحلیل داده ها نشان می دهد که بین پایندی مذهبی خانوادگی و بزهکاری جوانان و زنان ضریب همبستگی ۰/۲۱ بود که در سطح $P < 0/05$ معنادار است. در جدول ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرها آمده است.

جدول ۲. ضرایب همبستگی متغیرهای پایندی مذهبی خانوادگی و بزهکاری جوانان و زنان

بزهکاری	شاخص آماری	متغیر
۰/۲۱	همبستگی	پایندی مذهبی خانوادگی
۰/۰۲	سطح معناداری	

همچنین نتایج تجزیه و تحلیل داده ها نشان می دهد که بین میزان فقر فرهنگی و بزهکاری جوانان و زنان ضریب همبستگی ۰/۲۳ بود که در سطح $P < 0/05$ معنادار است. در جدول ۳ ضرایب همبستگی بین متغیرها آمده است.

جدول ۳. ضرایب همبستگی متغیرهای فقر فرهنگی و بزهکاری جوانان و زنان

بزهکاری	شاخص آماری	متغیر
۰/۲۳	همبستگی	فقر فرهنگی
۰/۰۰۳	سطح معناداری	

نتایج تجزیه و تحلیل داده ها نشان می دهد که بین میزان دستان ناباب و بزهکاری جوانان و زنان ضریب همبستگی ۰/۳۹ بود که در سطح $P < 0/001$ معنادار است. در جدول ۴ ضرایب همبستگی بین متغیرها آمده است.

جدول ۴. ضرایب همبستگی متغیرهای دستان ناباب و بزهکاری جوانان و زنان

بزهکاری	شاخص آماری	متغیر
۰/۳۹	همبستگی	دستان ناباب
۰/۰۰۱	سطح معناداری	

نتایج تجزیه و تحلیل داده ها نشان می دهد که بین میزان فقر اقتصادی خانواده و بزهکاری جوانان و زنان ضریب همبستگی ۰/۲۷ بود که در سطح $P < 0/05$ معنادار است. در جدول ۵ ضرایب همبستگی بین متغیرها آمده است.

جدول ۵. ضرایب همبستگی متغیرهای فقر اقتصادی خانواده و بزهکاری جوانان و زنان

متغیر	شاخص آماری	بزهکاری
فقر اقتصادی خانواده	همبستگی	۰/۲۷
سطح معناداری		۰/۰۳

نتایج تجزیه و تحلیل داده ها نشان می دهد که بین اعتیاد والدین و بزهکاری جوانان و زنان ضریب همبستگی $0/29$ بود که در سطح $P<0/05$ معنادار است. در جدول ۶ ضرایب همبستگی بین متغیرها آمده است.

جدول ۶. ضرایب همبستگی متغیرهای اعتیاد والدین و بزهکاری جوانان و زنان

متغیر	شاخص آماری	بزهکاری
اعتباد والدین	همبستگی	۰/۲۹
سطح معناداری		۰/۰۰۴

نتایج تجزیه و تحلیل داده ها نشان می دهد که بین از هم گسیختگی و طلاق والدین و بزهکاری جوانان و زنان ضریب همبستگی $0/32$ بود که در سطح $P<0/01$ معنادار است. در جدول ۷ ضرایب همبستگی بین متغیرها آمده است.

جدول ۷. ضرایب همبستگی متغیرهای از هم گسیختگی و طلاق والدین و بزهکاری جوانان و زنان

متغیر	شاخص آماری	بزهکاری
از هم گسیختگی و طلاق والدین	همبستگی	۰/۳۴
سطح معناداری		۰/۰۰۱

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی عوامل مؤثر برگرایش جوانان و زنان به اعتیاد و بزهکاری و راه های پیشگیری از آن در شهرستان روانسر در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ انجام شد. با توجه به نتایج بدست آمده در این تحقیق به این نتیجه می رسیم که به دلیل نقش مهم مادری و تربیتی زنان در خانواده و جامعه، ارتکاب ایشان به جرم نیز اثرات منفی بسیار زیادی در این دو نهاد بزرگ اجتماعی خواهد گذاشت. زمانی که مادران به هر دلیلی اعم از فوت، طلاق، بزهکاری و زندان در خانه حضور نداشته باشند، تربیت فرزندان دچار اشکال می شود و بستر مناسبی برای بزهکاری نوجوانان و جوانان فراهم می شود. بر اساس نتایج تحقیقات جبلی و صفردری، از هم گسیختگی خانوادگی و اختلاف والدین و مشاجره هی آنها در بزهکاری زنان در آینده تأثیر دارد، اگر زمینه های لازم برای جوانان و زنان در خانواده و بیرون از آن برای آنها مهیا باشد و والدین میزان صمیمیت خود را با فرزندان خود را بیشتر کنند، احتمالاً میزان اعتیاد و جرم آنها نیز کمتر خواهد شد، اگر در بین افراد خانواده بخصوص جوانان و زنان میزان مصرف مواد مخدر کمتر شود میزان ارتکاب جرم نیز به زیادی کاهش می یابد، اگر والدین به فرزندان خود احترام به قانون و مجریان آنها را آموزش دهنند نیز در این زمینه می توان امیدوار بود که از میزان جرم کاهش پیدا می کند، اگر افراد جامعه نیروی انتظامی و بخصوص پلیس را برای جامعه مفید بدانند از میزان جرم انجام شده کاسته می شود، اگر خانواده ها کنترل لازم را برای دوست یابی جوانان و زنان داشته باشند میزان ارتکاب جرم کم می شود و اگر از رابطه با دوستان ناباب جلوگیری شود معمولاً می توان امیدوار بود که دیگر کمتر این نسل از افراد به طرف کارهای خلاف کشیده می شوند. نظریه ای انحراف فرهنگی، ویژگی های محیطی و شرایطی که افراد در آن زندگی و کار می کنند به عنوان مؤلفه های بالقوه ای جرم، ایفا نمی کنند. کلوآد و اوهلین در نظریه ای فرصت افتراقی فرض را براین می گذارند

که با توجه به وضعیت افراد پرورش یافته در محلات پرازدحام و فقرزده، احتمال پیدایش بزه و رفتارهای انحرافی بیشتر است و نظریه پردازان انحراف فرهنگی، محیط و خرد فرهنگی را که افراد در آن بزرگ شده‌اند را عامل اصلی بزهکاری می‌دانند. همچنین جامعه شناسان میزان بزهکاری در محدوده‌های شهرها و محلات فقیرنشین را زیادتر از شهرها می‌دانند (شایگان و معتمدی، ۱۳۹۳). به دلیل اینکه پژوهش در شهرستان روانسر بر روی جوانان و زنان انجام شده برای تعمیم نتایج به سایر جامعه‌ها باید باحتیاط برخورد کرد. پیشنهاد می‌شود مشاوران و روانشناسان از طریق مشاوره و مداخله‌های درمانی اقدامات لازم را جهت کاهش بزهکاری و اعتیاد مراجuan انجام دهند. همچنین درمانگران در درمان اعتیاد و بزهکاری نیز توجه کنند و از آنجایی که بین اعتیاد و بزهکاری یک رابطه دوسویه وجود دارد به مشاوران و درمانگران پیشنهاد می‌شود در برنامه آموزشی خود شیوه‌هایی برای مقابله با اعتیاد و بزهکاری را آموزش دهند.

منابع

- آفابخشی، حبیب؛ صدیقی، بهرنگ و اسکندری، محمد (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به سوءصرف مواد مخدر صنعتی. *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، ۴(۲)، ۱-۱۹.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران، سمت.
- ابراهیمی، سید محمد و فتاحی، مژده (۱۳۸۳). آسیب شناسی اعتیاد زنان. *نشریه اصلاح و تربیت*، ۱۱۳، ۳-۸.
- شایگان، اسحاق (۱۳۹۰). تأثیر اعتیاد زنان باردار بر جنین و نقش پلیس زن در درمان آنان. *مجله جامعه شناسی و علوم اجتماعی پلیس زن*، ۱۴، ۴۰-۳۲.
- شایگان، فریبا و معتمدی، صدیقه (۱۳۹۳). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در بزهکاری زنان (مقایسه زنان بزهکار با زنان غیربزهکار تحت پوشش بهزیستی ریا ط کریم). *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۶(۶۳)، ۱۹۸-۱۶۳.
- صدیق، رحمت الله (۱۳۷۶). تحلیل نظریه‌های مربوط به کجرودی‌های اجتماعی، نشریه علوم تربیتی، *فصلنامه علوم تربیتی*، ۱۱(۱)، ۶۶-۵۵.

- Brown, BS. (1998). Drug use-chronic and relapsing or a treatable condition? Substance use misuse. 33, 2515-20.
- Nurco, DN., Kinlock, T.W., O grady, KE., Hanlon, TE. (1998). Differential contribution of family and peer factors to the ethiology of narcotic addiction. *Drug Alcohol depen*, 5, 229-37.
- Pates, R., Riley, D. (2010). Interventions for Amphetamine misuse. United states: Black well publishing LTD.
- Sinha, R. (2011). New findings on Biological factors predicting addiction.
- Yan, Y., & Nabeshitna, T. (2009). Mouse model of relapse to the abuse of drugs:procedural considerations and characterizations. *Behavioural brain research*, 196(1), 1-10.